

سیر و هجرت در قرآن

محمد علی صادقی^۱

چکیده:

سیر و سیاحت در دین مبین اسلام از جایگاه خاص برخوردار است، و بر اهمیت و ضرورت آن، چه در آیات قرآن کریم و چه در روایات و متون مذهبی، بسیار سفارش شده است. این تأکید بنا به فواید و آثار گوناگونی است که در سیر و سیاحت نهفته است و انسان در طی مسافرت به آنها می‌رسد. باتأمل در آیات قرآنی و متون حدیثی در می‌یابیم که یکی از حکمت‌های تأکید اسلام بر سیر و سیاحت، آثار گوناگونی است که در رشد و کمال انسان دارد. مطالعه آثار تاریخی، عبرت‌گیری از احوال و آثار گذشتگان، رشد و نیروی تفکر و تعقل انسان، تفکر در اسرار آفرینش و آشنای با آیات و پدیده‌های خداوند دانش‌اندوزی و کسب تجربه، آشنای با آداب و راه رسم زندگی دیگر مردمان، و حفظ دین و ایمان، سلامت جسم و روح دفع اندوه‌ها و ناراحتی‌ها و غیره از جمله آثاری است که در آیات و روایات برای سیر و سیاحت ذکر شده است.

سیر و سیاحت علل سقوط و ناکامی و سعادت و خوش‌بختی برخی جوامع را در اعصار و قرون مختلف نشان می‌دهد، از این جهت قرآن کریم به مسلمانان دستور می‌دهد که بروید در روی زمین بگردید و در آثار پیشینیان و ملت‌های گذشته و زمام‌داران و فراعنه و گردن‌کشان دقت کنید و بنگرید پایان کار آنها را که کافر شدند و پیامبران خدا را تکذیب کردند، و بنیان ظلم و فساد را در زمین گذاردند چگونه بود، و سرانجام کار آنها به کجا رسید. و همچنین قرآن دستور می‌دهد بر دقت و بهره‌برداری از سیره‌ای انبیاء الهی، به لحاظ اینکه آثار گذشتگان حوادث پند دهنده‌ای برای آیندگان است و مردم می‌توانند با بهره‌برداری از آنها از حیات طیب و زندگی صحیح آگاه شوند.

کلید واژه‌ها: سیر، اقوام پیشین، پیامبران، باستان‌شناسی، هجرت

^۱ دانش‌پژوه سطح ۴ فقه و اصول مجتمع آموزش عالی اصفهان

مقدمه:

بخش گسترده ای از بحث های قرآن در قالب سرگذشت اقوام پیشین وداستان های گذشتگان بیان شده است. توجه به این نکته که تاریخ بستر حوادث گوناگون است، و آنچه را به صورت ذهنی و فلسفی جستجو می کند، و آنچه به صورت نقش محوری و زیر بنایی تاریخ را نشان می دهد. مطالعه و نگرش به تاریخ و دیدن وگشتن در مکان های تاریخی که ظرف وقوع رخداد ها بوده اند، عمر آدمی را به بلندای عمر بشر دراز می سازد، و آموزه های نظری و عملی فراوان را فرا راه جوامع بشری می نهد.

قرآن بانقل زمان ها و فرازهای از داستان گذشتگان، روایتی تصویری و هنری از اندیشه و فرهنگ آنان را به نمایش می گذارد، و حس کنجکاوی آدمی را برای ردیابی و شناسای مکان ها و سر زمین های وقوع این داستانها بر می انگیزاند و همین به نوبه خود گونه ای گردش گری و جهان گردی را می طلبد و قرآن ضمن بیان قصه ها داستان های گذشتگان، مردمان را به آن سو فرا می خواند. و دستور بر سیر سیاحت می دهند، تا اینکه تفکر در سنت های اقوام گذشته داشته باشند و ببینند که چگونه صعود و پیش رفت افراد با ایمان و پرهیزگار، و نا بودی ملت های پراکنده و بی ایمان و آلوده به معصیت پیش بینی شده است.

فرا خواندن قرآن بر سیر و گردش گری:

قران کریم در بسیاری از آیات مسلمانان را به سیر و سیاحت در زمین با اهداف روشن فرا خوانده است. و از آیات زیادی الهی می توان در یافت که اصل مسأله ای سیر و جهان گردی در قرآن مورد تشویق و ترغیب قرار گرفته بلکه آن را در قالب فرمان و امر به پیروان خود تکلیف کرده و مسلمانان را به سیر و نظر در این مقوله فرا خوانده است.

و دسته از آیات قرآن به صورت استفهام سرزنشی و تحریکی به مسأله گردش گری پرداخته و آنانی را که از موضوع سر بر می تابند مورد نکوهش قرار داده: « افلم یسیروا فی الارض فینظرو کیف کان عاقبت الذین من قبلهم»^۱

آیا در روی زمین نمی گردند، تابنگرند که پایان کار پیشینیان چه بوده است؟

^۱ -- یوسف / ۱۰۹.

« أفلم یسیروا فی الارض فتکون لهم قلوب یعقلون بها»^۱ آیا در زمین سیر نمی کنند تا صاحب دل‌های گردند که بدان تعقل کنند

این پرسش‌ها ضمن تحریک و ایجاد انگیزه در مسلمانان برای حرکت و گردش در اطراف و اکناف زمین و گشتن در جهان و سیر و سفر در طبیعت و کوه و دشت و هامون، این نکته را مطرح می‌کند که برای دریافت سنت‌های تاریخی و نگرش به عاقبت و پایان کار تمدن‌های عظیم و بناهایی تاریخی نباید تنها به مطالعه آثار پرداخت، بلکه باید همت کرد ورنج سفر بر خود هموار ساخت و کوی به کوی و جای به جای جهان را در نور دید و به سیر آفاقی در کنار سیر انفسی دست زد.^۲

تا به راز و رمز پیشرفت‌ها و تمدن‌ها دست یافت و از فروپاشی و سقوط آن‌ها درس عبرت و تجربه آموخت مرحوم علامه‌ای طباطبایی مفسر نامی قرآن در رابطه با این آیات می‌نویسد: ربما استفيد النَّدب من قوله تعالی: « أفلم یسیروا فی الارض...» از این آیات چنین به دست می‌آید که سیر در روی زمین، امری پسندیده و مستحب در شریعت است.^۳ مستحب بودن جهان گردی در صورتی است که اسلام و نظام اسلامی و جامعه مسلمانان از ترک آن زیان و ضرر نبیند، وگرنه رنگ و جوب کفایی، به خود می‌گیرد.

فقه‌های اسلام نیز با توجه به دست آورد‌های بلند و سازنده سیر و سیاحت به آن اهمیت ویژه داده‌اند و بر این باورند که یکی از راه‌های شناخت انسان از هستی و آشنایی با اقوام و گروه‌ها از طریق سیر و سفر ممکن است.

و از دیر زمان مردمان خردمند برای سیر و سفر جایگاه ویژه‌ای قائل بوده‌اند، و آن را بخشی از زندگی اجتماعی و انسانی خویش می‌شمردند.

آثار سیر در قرآن:

۱- بیداری از غفلت:

خداوند بزرگ در قرآن کریم انسان‌ها را دستور و فرمان به سیر و سیاحت می‌دهند، و می‌فرمایند: « قُلْ سِیْرُوا فِی الْاَرْضِ ثُمَّ اَنْظُرُوا کِیْفَ کَانَ عَاقِبَةُ الْمُکَذِّبِیْنَ »^۴ در زمین سیر سیاحت کنید، و سرگذشت تکذیب‌کنندگان

^۱ -- حج / ۴۶

^۲ -- برگرفته شده مضمونا فصلت / ۵۳

^۳ -- علامه طباطبایی محمد حسین ، تفسیر المیزان ، ج ۹ ص ۴۰۴ بیروت،

^۴ -- انعام / ۱۱

و حقیقت را ملاحظه نمایید. قرآن در اینجا برای بیدار ساختن این افراد لجوج و خود خواه از راه دیگری وارد شده و به پیامبر دستور می دهد که به آنها سفارش کند که در روی زمین به سیر و سیاحت پردازند و عواقب کسانی که حقائق را تکذیب کردند با چشم خود ببینند شاید بیدار شوند، شک نیست مشاهده آثار گذشتگان واقوامی که که بر اثر پشت پازدن به حقائق راه فنا و نا بودی را پیمودند تاثیرات آن بسیار بیشتر از مطالعه ای تاریخ در کتاب ها است زیرا این آثار، حقیقت را محسوس و قابل لمس می سازد. شاید به خاطر همین است که جمله « انظروا » را « نگاه کنید » به کار برده است نه « تفکروا » ببینید (ضمنا کلمه (تَمَّ) که معمولا در مورد عطف با فاصله زمانی به کار می رود ، ممکن است به خاطر توجه دادن به این حقیقت باشد که در این سیر و قضاوت خود عجله نکنند. بلکه هنگامی که آثار گذشتگان را مشاهده کردند باحوصله و دقت بیاندیشند، سپس نتیجه گیری کرده و عاقبت کار آنها را با چشم ببیند.

۲- آگاهی بر وسعت قدرت الهی:

دومین آثار سیر، درجهان هستی آگاهی بر قدرت و عظمت خداوند متعال است. هم چنان که در قرآن آمده: « قل سیرو فی الارض فانظروا کیف بدأ الخلق ثم ینشیء النشاء الآخرة ان الله علی کل شیء قدیر »

ای پیا مبر به این مردم بگو در زمین سفر کنید، انواع مخلوقات زنده را ببینید اقوام و جمعیت های گوناگون را با ویژگی های آنها بنگرید، خداوند آفرینش نخستین آنها را چگونه ایجاد کرده است، و جهان آخرت را هم ایجاد می کند.

در این آیه سخن از وسعت قدرت خداوند و مسأله معاد مطرح است که خداوند اول بار با قدرت توان مندی خلقت جهان هستی را آغاز نموده و انسان هارا نیز خلق کره است در آخرت نیز قادر است انسان ها را زنده کند و جهان آخرت را برپا نماید.

خداوند در این آیه شریفه حجّت خود را بر مشرکین تمام می کند، و آنان را به وسیله سیر در زمین إرشاد می فرماید تا بفهمند که کیفیت آغاز خلقت چه بوده، و خداوند چگونه بدون نقشه قبلی و الگو آنان را با نیروی همانند یک دیگر آفریده است و چنین است آفرینش خلقت دوباره که همانند نشئه اول است و در روز قیامت خلق خواهد شد.

^۱ -- عنکبوت، ۲۰/



در عصر حاضر این آیه برای دانشمندان معنایی دقیق تری می تواند داشته باشد و ان این که بروند در اطراف دنیا آثار موجودات زنده نخستین را که در اعماق دریاها، در دل کوه ها، و در لا بلای زمین است ببینند و به گوشه از اسرار آغاز حیات در کره زمین و عظمت و قدرت خدا پی ببرند و بدانند که قادر متعال بر اعاده حیات و برپای رستا خیز نیز قادر و توانا است. دیدن همه این آثار موجودات زنده از یمن و برکت سیر در روی زمین است.

۳- تعقل و تدبیر اهل تقوا:

انسان های معتقد، و اهل تقوا سیر و سفر شان حاوی تعقل و تدبیر در امور آخروی است. هم چنان که در قرآن آمده است: « در زمین سیر کنید به منظور دیدن عاقبت گذشتگان و برای تعقل نمودن اهل تقوا در مورد سرای آخرت.^۱»

۴- عبرت گیری:

آیات دیگری در قرآن وجود دارد، که نتیجه و پیام آن دعوت به گردش گری و سیر سفر در زمین برای دریافت درس های عبرت آمیز از آثار برجا مانده پیشینیان است، گرچه بسیاری از این آثار تاریخی به تدریج بر اثر زمین لرزه ها، افت و خیز در یاها، سایش خاک و مانند آن دگر گون شده است.

با این همه تغییرات و دگرگونی باز هم جای عبرت گیری باقی است. خداوند سبحان، در جاه جای قرآن حکایت از ثروت مندان می کند، که از جمله آن آیات این است: « کم ترکوا من جنات و عیون و زروع و مقام کریم و نعمه کانوا فیها فاکهین کذلک و اورثنا قوما آخرین^۲»

بعد از خود چه باغها و چشمه سارها بر جای گذاشتند و کشت زارها و خانه های نیکو و نعمتی که در آن غرق شادمانی بودند، بدین سان بودند و ما آن نعمت هارا به مردمی دیگر واگذاشتیم ...

در کتاب سفینه البحار است هنگامی که امیر المؤمنین علی علیه السلام از شهر مدائن گذشت و به آثار کسری رسید، یکی از همراهان سخنی بدین مضمون گفت که: « باد ها بر این دیار وزیده است و عمارت ها را در آستانه تخریب قرار داده است »

^۱ -- یوسف / ۱۱۰

^۲ -- دخان / ۲۶

امام علی علیه السلام با اشاره به آیات فوق فرمودند: « این آیات را بخوان از آن پندگیر که چگونه مردمی در نعمت و رفاه می زیستند و بر اثر ناسپاسی و گناه آن نعمت ها از آنان گرفته شد، و گرفتار نعمت و عذاب شدند.^۱»

هان ای دیده عبرت بین از دیده نظر کن هان ایوان مدائن را آئینه عبرت دان پرویز که بنهادی بر خوان تره زرین زرین تره کو بر خوان، روکم ترکوا برخوان.^۲

در جای دیگر قرآن به سنتهای تاریخی و نوامیس طبیعی مانند عزت ها و ذلت ها، پیروزی ها و شکست ها، خوش بختی ها و بد بختی ها، اشاره می کند، و می فرماید: « قد خلت من قبلکم سنن فیسروا فی الارض »^۳ پیش از شما سنت ها و قانون هایی عملاً به وقوع پیوسته است. پس در زمین و آثار تاریخی گذشتگان گردش کنید.

رهنمود خداوند به بندگانش بر این که در جامعه و تاریخ سنت های وجود دارد که سرگذشت و تاریخ گذشتگان است، و مارا متوجه ساخته است تا با سیر در زمین و شناخت سنت های حاکم بر آن، به علت های فراز و فرود ملت ها و تمدن ها دست یابیم.^۴

گونه های سیر و گردشگری :

الف) هجرت:

هجرت در دین اسلام یک دستور سازنده و سر نوشت ساز است. هجرت در زندگی بشر و پیشرفت علوم بوجود آمدن تمدن هانقش تعیین کنند های داشته و دارد ، دین مقدس اسلام به عنوان آخرین دین الهی، در زمینه های گونا گون مسأله سیر و هجرت را مطرح کرده و برآن پاداش های عظیم را وعده داده است مانند: این آیه: « الَّذِينَ آمَنُوا وَهَجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَكْبَرُ مِنْ أَكْبَرِ الْفَائِزِينَ »^۵

آنان که ایمان آوردند و هجرت کردند، و با اموال و جان های خود در راه خدا جهاد کردند و درجه بزرگ تری نزد خدا دارند و آنان رستگاران و سعادت مندان دو عالم اند.

^۱ -- محدث قمی شیخ عباس، سفینه البحار، ج ۸ ص ۴۴ چاپ ۸ هشت جلدی،

^۲ -- همان،

^۳ -- آل عمران ، ۱۳۷ /

^۴ -- رشید رضا تفسیر المنار، ج ۴ ص ۱۳۹ چاپ معرفت بیروت لبنان

^۵ -- توبه / ۲۰

هجرت های ارزشمند:

۱ - هجرت به سوی خدا:

ذات اقدس الهی کسانی را که در راه او هجرت کند در دنیا به نقاط امن فروان و گسترده های در زمین وعده داده است و در آخرت پادشاهای اخروی او با خداست: «من يهاجر في سبيل الله يجد في الأرض مراغما كثيرا وسعةً و من يخرج من بيته مهاجرا الى الله و رسوله ثم يدرکه الموت فقد وقع اجره على الله»^۱ هر کس در راه خدا از وطن خویش هجرت کند در زمین موضعی بسیار وسیعی می یابد. و هرگاه از خانه خود به سوی خدا ورسولش (برای حفظ دین) بیرون آید و در سفر مرگ وی فرا رسد اجر و ثوابش بر خداست.

مسأله ای مهاجرت الی الله قبل از دین مقدّس اسلام، در کلام اولیاء الهی مطرح بوده، و در فراز از کلمات حضرت ابراهیم خلیل چنین آمده که ان حضرت فرمودند: «انی مهاجر الی ربّی إنّهُ هو العزیز الحکیم»^۲ من به سوی پروردگارم هجرت می کنم او عزیز و حکیم است.

در جای دیگر قرآن از زبان حضرت ابراهیم علیه السلام آمده که آن حضرت فرمود: «إنی ذاهب الی ربّی سیهّدین»^۳ من به سوی خدای خویش می روم به زودی مرا هدایت خواهد کرد.

ناظر به همین گونه از هجرت است، دوری از وطن و رفتن به سر زمین غربت برای این بود که کسی مانع یکتاپرستی حضرت ابراهیم علیه السلام نشود.^۴

پاداش های الهی به حضرت ابراهیم علیه السلام:

حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام بعد از جریانی آتش سوزی نمود، برای انجام رسالت خویش در سر زمین بابل تصمیم گرفت برای خدا به سوی شام هجرت کند.^۵ خداوند به عنوان پاداش حضرت ابراهیم بعد از آن به او نعمت های بزرگی عطا فرمود.

^۱ -- نساء / ۱۰۰

^۲ -- عنکبوت / ۲۶

^۳ -- صافات / ۹۹

^۴ طباطبایی محمد حسین المیزان تفسیر المیزان ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی تهران دار الکتب الاسلامیه ۱۳۷۴ ج ۱۶ ص

۱۸۰

^۵ -- تفسیر نمونه (پیشین) ج ۱۳ ص ۴۵۲

۱ - فرزندان لایق و شایسته و مؤمن که بتوانند چراغ ایمان و نبوت را در دودمان او روشن نگه دارند .

۲- در دودمان حضرت ابراهیم علیه السلام نبوت و کتاب آسمانی قرار داد.

۳- پاداش دنیوی همچون نام نیک و لسان صدق فی الآخرين به او عنایت فرمود:

۴- در آخرت او را از صالحان قرار داد.

قرآن به همین پاداش ها اشاره دارد آنجا که می فرماید: « و قال ائی مهاجرالی ربی ان [هو العزیز الحکیم ووهبنا له اسحاق و یعقوب وجعلنا فی ذریته النبوة والکتاب و آتینا هاجرته فی الدنیا و انه فی الآخرة لمن الصالحین) ' ابراهیم علیه السلام گفت من به سوی پروردگارم هجرت می کنم که او عزیز و حکیم است، و ما به او اسحاق و یعقوب را بخشیدیم و در دودمانش از نبوت و کتاب آسمانی قرار دادیم و پاداش او را در دنیا دادیم و در آخرت از صالحان است.

خداوند بر اثر سیر و هجرت ابراهیم خلیل علیه السلام احوال ناراحت کننده او را به ضد آن و به بهترین حالت تبدیل نمود، بت پرستان بابل می خواستند ابراهیم را به آتش بسوزانند آتش گلستان شد. ابراهیم علیه السلام در آغاز مال و جاه نداشت، اما خداوند در پایان مال و جاه عظیمی به او عطا کرد.

حضرت ابراهیم در ابتدا به قدری گمنام بود که حتی بت پرستان بابل هنگامی که می خواستند از او یاد کنند می گفتند: « سمعنا فتی یدکرهم یقال ابراهیم » شنیدیم جوانکی گفتگوی بت هارا می کرد که به او ابراهیم گفته می شود.

اما خدا آن چنان اسم و آوازه ای به او داد که به عنوان شیخ الانبیاء یا شیخ المرسلین معروف شد. این همه عنایات بر اثر سیر هجرت او در راه خدا بود.

تاریخ نویسان برای حضرت ابراهیم علیه السلام سه هجرت و مسافرت نقل کرده اند:

۱- از زادگاهش بابل به سوی شام.

۲- از شام به مصر.

۳- بر گشت از مصر به شام.

۱ -- عنکیوت / ۲۶ - ۲۷

البته اینها افزون از سفرهای پی در پی آن حضرت از فلسطین به مکه در جریان بردن ها جر و اسماعیل است. هجرت فرزندان یعقوب:

یکی از قصه ها و داستان های درس آموز و پر نکته ای قرآن داستان حضرت یوسف است که خداوند آنرا (أحسن القصص) نامیده و به گونه گسترده و ریز به پی گیری این قصه پرداخته است:

این قصه قرآنی در سوره یوسف پیامبر علیه السلام عبارت است از ذکر پیامبران، و فرشتگان، و سیر پادشاهان، و آداب بندگان، و احوال زندانبان و فضل عالمان و نقص جاهلان و مکر حیلت زنان و شیفتگی عاشقان و عفت جوان مردان و ناله محنت زدگان و تلون احوال دوستان، و عداوت و شماتت خویشان در فرقت و وصلت، و عز و ذل و غنا و فقر و اندوه و شادی و تهمت و بیزاری و امیری و اسیری، این همه نکته ها در این قصه به جا مانده و در این قصه علم سر و علم فقه و علم تعبیر خواب فراست و علم معاشرت و سیاست و تدبیر معیشت، در می آید: و...

۲- هجرت برای حفظ دین و ایمان:

انسان ها از رهگذر هجرت ها می توانند عقائد و آرمان های بلند خویش را حفظ کنند. درحقیقت کسانی که به منظور دست یابی به کرامت انسانی و حیاتی عزت مند در سایه ای کوشش و شکیبایی، رنج سفر و غربت را بر خویشان هموار ساخته اند.

دین اسلام هم چون دیگر ادیان ابراهیمی، انسان سازی و جامعه سازی در پرتو توحید و تقوا را از اهداف برتر خود تعریف کرده در کنار عنصر جهاد عنصر هجرت را نیز نهاده است، در فلسفه دستور هجرت میتوان به دین نکته اشاره داشت که ایمان آورنده به خدا و آخرت، در حال می باید از خو گرفتن فرهنگ و کیش شرک آمیز، که او را بی هویت می سازد، درگریز و ستیز باشد. هم چنان که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرموده است: « من فریدینه من ارض الی ارض وان کان شبرا من الارض استوجب له الجنة^۱ » کسی که برای حفظ دین و آئین خود از سر زمینی به سر زمین دیگر هجرت کند، استحقاق بهشت می یا بد.

قرآن کریم در باره مردان اصحاب کهف جوانان و مردان خدا جو می فرماید: « ونحن نقص علیک نبأهم بالحق أنهم فتیه آمنوا برئهم و زدناهم هدی وربطنا علی قلوبهم اذ قاموا فقالوا ربنا رب السموات والارض^۲ »

۱ -- قصص قرآن بلاغی، ص ۴

۲ -- بحار الانوار بیروت دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ه ق ج ۱۹ ص ۳۱

۳ -- کهف ۱۳/ و ۱۴

ما داستان آنها را به حق برای تو باز گو می کنیم آنها جوانا نی بودند که به پروردگار شان ایمان آوردند و ما بر هدایت شان افزودیم و دل های آن هارا محکم ساختیم در آنکه قیام کردند و گفتند: پروردگار ما پروردگار آسمان ها و زمین است.»

آیات فوق سراسر از ایمان و توحید و انگیزه الهی جوانان اصحاب کهف حکایت دارد.

ب) سیاحت

یکی از واژه های که در رابطه با گردش گری و جهان گردی در قرآن مطرح شده واژه سیاحت است و این کلمه با سائر هیأت های آن در جای جای قرآن به چشم می خورد لغت شناسان در توضیح آن چنین نوشته اند: (سائح: من ساح فی الأرض یسیح سیحا إذ استمر فی الذّهاب) ^۱ سائح به کسی گفته می شود که در زمین می چرخد و گردش گری می کند.

اصل این کلمه به معنای حرکت و رفتن مدام است، به همین جهت به آب روان (سیح) گویند به اعتبار این است که آب جاری نرم و آرام راه می گشاید و به پیش می رود، و از همین مقوله است حرکت انسانها آنگاه که بر اساس اندیشه و توجه و وظیفه شناسی بین آنها و خداوند باشد. با این نگرش در خطاب آیه شریفه که می گوید: « فسیحوا فی الارض » نکته ای لطیف و ظریف نهفته است. ^۲

ویژه گی سائح بودن مؤمن در قرآن :

قرآن کریم به هنگام ترسیم سیمایی مؤمنان و تصویر چهره فرزندان به تکلیف های فردی و اجتماعی و ویژگیهای ارزشی آنان اشاره میکند و یکی از آن ویژگیها را (سائح) بودن آنان می شمرد: « التائبون العابدون الحامدون السائحون الراكعون الساجدون الامرون بالمعروف والناهون عن المنکر والحافظون لحدود الله... » ^۳

آنان که با خدا روی آشتی دارند و خدا را عبادت می کنند با سپاس و ستایش خداوند نرم و آرام در راه زندگی قدم می زنند ، تکلیف انفرادی خود نماز را با دو رکن اصلی آن رکوع و سجده پناه می دارند و تکلیف اجتماعی خود را با دو رکن اساسی آن امر به معروف و نهی از منکر به فرجام می برند و مرز های الهی را نگهبانند.

^۱ -- مجمع البیان طبری ، ج ۳ ص ۱۴۶ مکتبه الحیات بیروت ،

^۲ -- التحقیق فی کلمات القرآن الکریم مصطفوی ج ۵ ص ۲۸۴

^۳ -- توبه ۱۱۲/

در این آیه (سیاحت) در کنار دیگر ارزش ها قرار گرفته و معنای آنها نمی تواند منحصر و محدود به یک مصداق مانند روزه باشد گروهی از مفسران به قرینه سیاق و روند آیه آنها به معنای سیر و حرکت به سوی مراکز عبادی معنا کرده اند. و در توضیح معنای سیاحت گفته است که: « یسیحون ویجولون من معهد من المعاهد الدینیّه و مسجد من مساجدالله الی غیره) ^۱

از ویژه گیهای مؤمنان راستین یکی آن است که گردش و حرکت می کنند از پایگاه از پایگاه های دینی و عبادی به سوی پایگاه دیگر.

این معنا سازگار با همان معنای لغوی است که سیاحت را به معنای حرکت و جا بجای و گردشگری دانسته است. در اول سوره توبه این آیه به چشم می خورد که: « فسیحوا فی الأرض اربعه اشهر» ^۲ پس بچرخید درز مین چهار ماه.

علامه طباطبایی در تفسیر آیه می نویسد:

سیاحت: گردش در زمین است به همین جهت به آبی که دائم در جریان است (سائج) گویند. خداوند که به مشرکان دستور سیاحت می دهد کنایه از آن است که چهار ماه در امنیت باشند (و به هر چیز بیاندیشند و به هر جا بروند) تا آنچه که سودشان است بر گزینند؛ ماندن یا رفتن و نابود شدن. ^۳

از مجموع این آیات چنین به دست میاید که ماندن در یک مکان مانند زادگاهش و یا محل زندگی به خودی خود ارزش نیست، بلکه از آن سوی سیر و سفر و سیاحت و حرکت و گردش کردن و آگاهی یافتن از محیط پیرامون و جهان پهناور، نوعی ارزش به شمار می رود که مؤمنان از آن بر خور دارند.

سیاحت و مسیح:

از اشارات آیات قرآنی و نیز از صراحت روایات برمی آید که: حضرت عیسیٰ علیه السلام مصداق کامل و روشنی از گردش گران و جهان گردان دنیا به شمار می رود. لغت شناسان پیرامون واژه (مسیح) علیه السلام چنین اظهار داشتند (ساح فی الأرض ای ذهب ... قد ساح ، ومنه المسيح بن مریم علیه السلام فی بعض الأقاویل : کان یذهب فی

^۱ -- المیزان ج ۹ ص ۳۹۶

^۲ -- توبه ۲/

^۳ -- المیزان ، ج ۹ ص ۱۴۷

الأرض فاینما ادرك اللیل صفّ قدمیه صلیّ حتیّ الصبح، فإذا كان كذلك فهو مفعول بمعنى فاعل^۱

این واژه (ساح) به معنای (رفت) آمده و کلمه (مسیح) هم از این اصل گرفته شده و در پاره از گفته ها آمده است: آن حضرت در زمین راه می رفت و می گشت، آن گاه که شب فرا می رسید تا به صبح به عبادت می ایستاد. بنابراین این (مسیح) در این جا به معنای (سائح) و گردش گراست.

امام صادق علیه السلام درباره این ویژگی حضرت عیسی علیه السلام می فرماید: «أن عیسی بن مریم كان من شرائع السیح فی البلاد^۲ گردش کردن و مسافرت در بین شهرها و آبادی ها جزء شریعت حضرت عیسی علیه السلام به شمار می رفته است.

او، همواره در زمین سیر می کرد و به سیاحت مشغول بود، تا با شگفتی های آفرینش آشنای بیشتری پیدا کند و هم در راه هدایت بندگان خداوند گام بنهد و هم از بد خواهان گریخته و بیدار نیکان توفیق یابد.

اهمیت سیاحت:

یکی از ضروریات زندگی اجتماعی از آغاز آفرینش تا کنون بر قرار ارتباط از راه های مختلف بوده است «سیر و سیاحت» مهم ترین و مؤثر ترین عامل برای برقراری ارتباط در زمینه های مختلف سیاسی اجتماعی و اقتصادی است. سفر، حقیقت زندگی است و زندگی خود یک سفر انسان، همیشه در گذر از دیروز به امروز و از امروز به فردا است. امروزه با گسترش جوامع بشری و پیچیده شدن ارتباطات و افزوده شدن مشکلات یکی از راه های کاهش پی آمدهای این پدیده اهمیت به سیر و سیاحت در جهت پرورش و رشد شخصیت اخلاقی و فرهنگی و ظهور ظهور شخصیت حقیقی انسان ها است. آشنای با رهنمودهای دین مبین اسلام درباره اهمیت و آداب سیر سیاحت عبرت گرفتن از سفرهای تاریخی پیامبران الهی و ملت های پیشین و آگاهی از ابعاد آفاقی و انفسی سفر در زمینه های مختلف فردی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی باعث می شود کمالات روحی و خوی های اخلاقی افراد بارور و واقعیت آشکار شود.

ج - باستان شناسی:

در آیاتی قرآن کریم به بسیاری از نقاط جغرافیایی و تاریخی اشاره شده که همواره مورد توجه باستان شناسان قرار گرفته است: مصر، اصحاب حجر، غار اصحاب کهف، سد مأرب، احقاف، رودی که بنی اسرائیل از آن گذشتند

^۱ -- لسان العرب ابن منظور، ج ۲ ص ۴۹۳ نشر ادب حوزه

^۲ -- بحار الانوار، ج ۷۰ ص ۲۴۴ مؤسسه الوفاء

و فرعونیان غرق شدند، و... فهم دقیق و روشن این مفاهیم در گرو آن است که یک مورخ و مفسر، ویا فقیه، نسبت به آنها شناخت همه جانبه پیدا کند و این شناخت بدون کمک گرفتن از دانش باستان شناسی ممکن نیست، گرچه بسیاری از این آثار تاریخی به تدریج بر اثر زمین لرزه ها افت و خیز دریاها سایش خاک و مانند آن دگرگون شده است، لکن این دعوت قرآن و فران به سیر سیاحت در زمین روحیه ای کاوش گری وجست جورا در پیروان خود بر می انگیزد و ضرورت مسأله باستان شناسی را برای درک و شناخت مکان های مورد اشاره قرآن روشن می سازد.

باستان شناسی، که لازمه آن جهان گردی و گردش گری است، درحقیقت علم باز سازی تاریخ از گذشته تاحال است. به تعبیر دیگر باستان شناسی نوعی پی بردن به علل صعود و سقوط ملت ها و امت های پیشین است متأسفانه این بخش از علوم قرآنی کمتر مورد توجه قرار گرفته و هنوز بر این بنیاد چیزی ساخته نشده تا به عنوان فنی در خور وشایسته باروش های نو وپیش رفته به باز سازی قصص قرآنی بپردازد و فهم و درایتی نوین از آیاتی قرآنی ارائه دهد.

گردشگری در روایات از امام علی علیه السلام :

روایت‌های رسیده از امام علی علیه السلام نیز گویای آن است که کمال و حقیقت یابی و رسیدن به عینیت و واقعیت در پرتو سیر و سفر وجهان گردی ممکن و میسر است و مسلمانان باید برای این بخش از زندگی نیز برنامه ریزی کنند.

امام علی در این زمینه می فرماید: « لیس للعاقل ان یکون شاخصاً الا فی ثلاث مرمة لمعاش او خطوة فی معاد او لذة فی غیر محرم^۱ » خرمند از شهری به شهری [و از کشوری به کشور دیگر] نمی رود، مگر برای یکی از این سه چیز سامان دهی امور معیشتی، گام نهادن در اصلاح آخرت برخورداری از لذت و تفریح سالم.

شاخص به معنای جا به جای و انتقال از مکانی به مکان دیگر و از شهری به شهر دیگر است در این فراز از سخنان امام علی علیه السلام بهره مندی و بر خورداری از لذت های مباح و حلال در گرو سیر و سفر دانسته و انرا بخشی از زندگی مسلمانان شمرده است.

در جای دیگر از ان حضرت رسیده: « لیس الخبر کالمعاینه^۲ » شنیدن کی بود مانند دیدن.

^۱ -- نهج البلاغه، حکمت / ۳۹۰

^۲ -- فهرست غرر الحکم محدث ارموی ج ۷ ص ۸۸

منابع:

* قرآن کریم

* نهج البلاغه

- ۱- تفسیر بلاغی، قصص قرآن،
- ۲- جمال الدین محمد، ابن منظور، لسان العرب انتشارات نشر حوزه
- ۳- رضا محمد رشید، تفسیر المنار، انتشارات دار المعرفه، بیروت لبنان، بی تا،
- ۴- طبرسی ابی علی الفضل الحسن، مجمع البیان، انتشارات مکتبه الحیات، بیروت لبنان، بی تا
- ۵- طباطبائی محمد حسین، مترجم سید باقر موسوی همدانی، ترجمه تفسیر المیزان، تهران دار الکتب الاسلامیه چاپ ۱۳۷۴ ه ش
- ۶- علامه طباطبائی محمد حسین، المیزان، فی تفسیر القرآن، انتشارات مکتبه الحیات بیروت. بی تا
- ۷- محدث قمی شیخ عباس، سفینه البحار، بی تا چاپ هشتم
- ۸- مجلسی محمد باقر، بحار الأنوار، انتشارات دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ ه ق،
- ۱۰- مصطفوی، محمد حسین التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، بی تا بی تا
- ۱۱- محدث آمدی، عبدالواحد غرالحکم، ترجمه محمدعلی انصاری قمی ج ۷ انتشارات الاسلامیه.

